



بررسی رابطه سواد اطلاعاتی با دانش آفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی

* خدیجه مجرد

** محبوبه سلیمان پور عمران

*** حمیدرضا سوداگر

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سواد اطلاعاتی با دانش آفرینی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد در سال تحصیل (۹۴-۹۳) صورت پذیرفت. از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دوره کارشناسی ارشد و دکتری کلیه رشته‌های دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد و حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۰۲ نفر دانشجوی ارشد و ۴۴ نفر دانشجوی دکتری و در مجموع ۳۴۶ نفر بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه سواد اطلاعاتی داورپناه و همکاران (۱۳۸۵) و دانش آفرینی نوناکو (۱۹۹۵) بود که روایی از نوع صوری و محتوایی و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۳ برآورد گردید و از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون با نرم‌افزار SPSS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین سواد اطلاعاتی دانشجویان و دانش آفرینی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و میزان معناداری تمامی متغیرها به جزء توانایی تعیین وسعت ماهیت اطلاعات، کوچک‌تر از ۰/۰۵، بر متغیر دانش آفرینی سازمانی، اثرگذار بودند.

واژگان کلیدی

سواد اطلاعاتی، دانش آفرینی سازمانی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی

مقدمه

* کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران soleymanpour@bojnourdiau.ac.ir

** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران m.pouromran@gmail.com

*** دکتری مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران hamidreza.sodagar@yahoo.com

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: محبوبه سلیمان پور عمران

امروزه مفهوم کلی سواد تغییر یافته و سواد به معنی توانایی خواندن و نوشتن، به سواد اطلاعاتی تبدیل گردیده است (Assare, 2004). سواد اطلاعاتی به معنای توانایی تشخیص نیاز اطلاعاتی، جابجایی، ارزیابی و استفاده مؤثر و اخلاقی از اطلاعات است که داشتن مهارت تفکر انتقادی و تحلیلی به عنوان زیربنای سواد اطلاعاتی، نقش اساسی در دستیابی به آن دارد (Peimankhah, 2007). این سواد، کلید یادگیری مادام‌العمر و دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از مهارت‌ها به منظور شناسایی درست منابع اطلاعاتی، دسترسی به آنها و هم‌چنین توانایی استفاده هدفمند از آنها می‌باشد (Parirokh, 2007). بدیهی است دسترسی به اطلاعات مورد نیاز از میان انبوه اطلاعات موجود، خود مهارت‌های خاصی را می‌طلبد که به سواد اطلاعاتی تعبیر شده است (Bardstany, 2004). در جوامع اطلاعاتی، این نوع از سواد به عنوان یکی از ملزومات دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات، اهمیت خاصی یافته و در سیاست‌های کلان این جوامع، از جایگاه والایی برخوردار شده است (Norouzi, 2004). تغییر نگرش از آموزش به سوی یادگیری از جمله خودیادگیری و یادگیری مادام‌العمر، افزایش نیاز به منابع اطلاعاتی معتبرتر و روزآمدتر، افزایش حجم اطلاعات، تنوع و پیچیدگی نظام‌ها و منابع اطلاعاتی و افزایش دشواری جستجو و بازیابی اطلاعات را سبب شده است. تسلط بر سواد اطلاعاتی، می‌تواند بستر لازم برای توانمندسازی دانشجویان در فرایند علمی و تولید دانش جدید را فراهم آورد (Afrazeh, 2005) که هدف آن، تبدیل آموزش گیرنده به یک یادگیرنده فعال و تقویت مهارت یادگیری مادام‌العمر در او می‌باشد. به عبارت دیگر، این رهنمودها بر توانمندی فرد در شناسایی نیاز اطلاعاتی، شناسایی منابع، ابزارهایی که بتواند به نیاز اطلاعاتی پاسخ بدهد و در دسترسی به اطلاعات کمک می‌کند و بر چگونگی جستجوی اطلاعات و منابع اطلاعاتی و بهره‌گیری از آنها در ضمن رعایت اصول اخلاقی، تاکید دارند و ویژگی‌های لازم را درباره دانش و مهارت‌های مورد نیاز، برای کشف حقایق با هدف حل مشکلات و مسایل فردی در اختیار قرار می‌دهد. لذا سواد اطلاعاتی، پیش‌نیاز تحولات علمی سازمان‌ها و جوامع امروزی است. بر مبنای تئوری پویای دانش‌آفرینی سازمانی، دانش از تبادل بین ابعاد معرفت‌شناسی در سطوح مختلف هستی‌شناسی خلق می‌شود. این تبادل که فرایندی اجتماعی است، چهار سبک تبدیل دانش از دانش مستتر به دانش مستتر یا جامعه‌پذیری، از دانش مستتر به دانش صریح یا بیرونی‌سازی، از دانش صریح به دانش صریح یا ترکیب و از دانش صریح به دانش مستتر یا درونی‌سازی را به وجود می‌آورد (Von Krogh, 2000). موقعیت خاص آموزش عالی و ضرورت پویایی دانشگاه‌ها، ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها، به طور مستمر به بازبینی دانش موجود و خلق دانش جدید پردازند. در این مسیر، ادامه حیات علمی و مطالبات جامعه از دانشگاه، مستلزم خلق دانش جدید است که اعضای هیأت علمی، دانشجویان، صنعت، فن‌آوری شرکت‌های جدید، والدین دانشجویان، مدیران دولتی، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان راهبردی عرصه اقتصاد، فرهنگ و سیاست را در

برمی‌گیرد. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه‌ها در عصر کنونی، دانش‌آفرینی و تولید دانش است. دانشگاه‌ها بستر مهم دسترسی اطلاعات برای دانشجویان به شمار می‌روند و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در زمینه‌ی تولید و نشر علم، نقش پررنگ و تأثیرگذاری دارند. از طرفی مراکز آموزشی در حال گذر از فرآیند آموزشی، به فرایند یاددهی-یادگیری می‌باشند (Najafu, 2017). در این زمینه زاهد بابان و رجبی (zahedbolbolan & najafi, 2011) نشان دادند که میانگین سواد اطلاعاتی دانشجویان در پنج استاندارد اندازه‌گیری شده، بالاتر از میانگین بوده است و استانداردهای تشخیص ماهیت و گستره اطلاعات مورد نیاز سواد اطلاعاتی دانشجویان را نسبتاً خوب برآورد نمودند اما وضعیت سواد اطلاعاتی دانشجویان را ناکافی ارزیابی نمودند (Maughan, 2001)، (Bigdeli & momtazan, 2001)، (2011) (tafaroji (Shirsavar & Shhavnd & Amani, 2014)، (Alinejad, 2011)، (seyfour, 2012) دریافتند تأثیر سرمایه فکری و ابعاد آن (سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای) بر قابلیت یادگیری سازمانی و دانش‌آفرینی مثبت و معنادار است. همچنین قابلیت یادگیری سازمانی بر دانش‌آفرینی، اثر مثبت و معناداری دارد. (Esnberg, 2006) نشان داد که مهارت‌های سواد اطلاعاتی و سواد آموزشی اطلاعات، سبب تسلط بر فناوری اطلاعات می‌شود (Andersen, 2006) دریافت جستجوی اطلاعات، یک مهارت سیاسی و اجتماعی است و مانند مهارت خواندن و نوشتن به فعالیت‌های انسانی مرتبط است و تأکید بر فهم اجتماعی دارد. (Daud, 2008) تأکید می‌کند اعضای هیأت علمی با کاربرد تئوری دانش‌آفرینی نوناکا در فرایند تدریس می‌توانند به تقویت فرایند یادگیری بپردازند و دانشجویان را به دانش‌آفرینی تشویق کنند. (Maughan, 2001) دریافتند مقوله‌هایی همچون اعتماد، همکاری بین افراد و با سازمان‌های عمومی در نوآوری‌های تکنولوژیکی بر دانش‌آفرینی، تأثیر بسزایی دارد و سرمایه اجتماعی، همبستگی مثبتی با دانش‌آفرینی و نوآوری دارد. به‌طور کلی مؤلفه‌های مربوط به داشتن مهارت‌های سواد اطلاعاتی با مدیریت دانش و از جمله دانش‌آفرینی، به نوعی چرخه‌ای را تشکیل می‌دهند که باید یکدیگر را تقویت کنند. در چنین شرایطی، دانشگاه‌ها باید برای دانش‌آفرینی، به دنبال داشتن مزیت رقابتی مهم و حیاتی باشند. دارا بودن این مزیت، نیازمند شبکه دانش است. شبکه دانش، یک شبکه مجازی است که با بهره‌گیری از ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات به صورت یکپارچه و منسجم، با فراهم‌ساختن امکان برقراری ارتباط بین گروه‌ها به منظور تبادل و تسهیم دانش، امکان ذخیره‌سازی، پردازش، انتشار و جستجو در مخازن دانش داخل و خارج از سازمان را فراهم می‌سازد. اما نظام آموزش عالی کشور، دراستفاده از فن‌آوری اطلاعات به دلیل ضعف بودن زیرساخت‌ها، کمبود نیروی انسانی کارآمد، ضعف در سیاست‌گذاری، کمبود محتوای الکترونیکی، فقدان نهادهای حقوقی تعیین‌کننده مالکیت فکری و پشتیبانی مالی و فنی از شبکه‌ها دچار مشکل

است. با توجه به اینکه دانشجویان مقطع تحصیلی، جهت انجام رسالت‌های علمی خود باید یادگیرندگانی خودرا هبر و مستقل باشند و برای موفقیت در این مقطع و همچنین ادامه تحصیل و یادگیری مادام‌العمر، نیازمند آن هستند که این نوع از سواد که طیف گسترده‌ای از پنج استاندارد را شامل می‌شود، فراگیرند، لذا این نوع سواد، می‌تواند به فراگیر، علاوه بر قدرت دانش‌آفرینی، قدرتی در مرحله بالاتر به نام قدرت تسهیم دانش و اشتراک آن ببخشد. ضرورت دانش‌آفرینی در جامعه (بهبود کیفیت آموزش، ارتقای جایگاه دانشگاه‌ها و، افزایش درآمد و...) از دو بُعد درونی و بیرونی، قابل ارزیابی است. دانشگاه‌ها به‌طور سنتی بر تحصیل و مهارت‌آموزی متمرکزند و در مرحله اکتساب اطلاعات و ذخیره آن و مکان ایده‌آلی برای دانش‌آفرینی می‌باشند. آنها از لحاظ رسالت ساختار، وسعت و اندازه برای توانمندسازی سرمایه‌های هوشی، حرفه‌ای هستند. بنابراین به جای اینکه دانش را اداره کنند، درصدد فعال‌سازی و توانمندسازی زمینه برای دانش‌آفرینی می‌باشند. اساساً وظیفه اصلی دانشگاه‌ها، دانش‌آفرینی است. ایجاد نگرش مثبت به خلق دانش و نظام‌مند کردن آن، از رویکردهای مؤثر در دانشگاه‌ها، جهت ایجاد و پایداری دانش‌آفرینی است. اگر دانشگاه‌ها خود را با سرعت رشد و توسعه دانش، هماهنگ نسازند و دست به خلق دانش نزنند، پایان حیات آنها فرا خواهد رسید. دانش‌آفرینی برای سازمان‌ها و دانشگاه‌ها، مزیت رقابتی به‌وجود می‌آورد. دانشگاه‌ها به‌طور سنتی برای تحصیل، مهارت‌آموزی عمل می‌کنند و در مرحله اکتساب اطلاعات و ذخیره آن هستند و این قابلیت را دارند که مکان‌های ایده‌آلی برای دانش‌آفرینی باشند. آنها از لحاظ رسالت، ساختار، وسعت و اندازه برای توانمندسازی سرمایه‌های هوشی، حرفه‌ای هستند. دانشجویان به‌ویژه در مقطع تحصیلات تکمیلی، از اقشاری هستند که برای رفع نیازهای علمی و پژوهشی خود در طول مدت تحصیل، به اطلاعات نیازمند هستند. آنها برای این‌که بتوانند به اطلاعات مورد نیازشان، دست یابند باید بتوانند نیاز اطلاعاتی خود را شناسایی کنند. برای اینکه به اطلاعات مورد نیازشان دسترسی پیدا کنند، باید با استفاده از مهارت تفکر تحلیلی و انتقادی، آنها را ارزیابی کرده و از اطلاعات به دست آمده برای رسیدن به اهداف خود بهره‌گیرند و در عین حال موارد حقوقی و اقتصادی مربوط به دسترسی و استفاده از اطلاعات را درک کنند. بدین ترتیب دانشگاه‌ها علاوه بر رسالت‌های آموزشی، پژوهشی و کارآفرینی، باید برای ظهور موج چهارم آموزش عالی، با عنوان دانش‌آفرینی، آماده شوند و این میسر نخواهد شد مگر اینکه خلاءها و مسایل موجود در بستر انتقال دانش و کسب آن شناسایی و برطرف شود. ایران به عنوان کشوری در حال توسعه، نیازمند بستر سازی در آموزش عالی، به‌ویژه در تحصیلات تکمیلی در این زمینه خواهد بود اما وجود مسایل گوناگون در این زمینه از جمله تحریم‌های علمی، حرکت در این زمینه را با کندی و دشواری روبرو ساخته است که می‌طلبد در این زمینه، مسایل موجود و در نهایت، سازوکارهای لازم جهت حل آن، شناسایی شود. در جهت شناخت بیش‌تر این مسأله، یکی از سؤالی‌های اساسی این است که

آیا سواد اطلاعاتی با دانش‌آفرینی، ارتباط دارد و این ارتباط در جامعه‌ی دانشجویان تحصیلات تکمیلی به چه صورت می‌باشد؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین تشخیص وسعت ماهیت اطلاعات و دانش‌آفرینی سازمانی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رابطه وجود دارد.
۲. بین دسترسی مؤثر به اطلاعات و دانش‌آفرینی سازمانی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رابطه وجود دارد.
۳. بین ارزیابی نقادانه اطلاعات و دانش‌آفرینی سازمانی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رابطه وجود دارد.
۴. بین کاربرد هدفمند اطلاعات و دانش‌آفرینی سازمانی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رابطه وجود دارد.
۵. بین درک حقوقی اقتصادی کاربرد اطلاعات و دانش‌آفرینی سازمانی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رابطه وجود دارد.



شکل (۱) چارچوب مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی - پیمایشی و از نظر روش همبستگی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی که تعداد ۱۴۷۲ نفر، دانشجوی کارشناسی ارشد و ۴۷ نفر، دانشجوی دکتری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ می‌باشند که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان حجم نمونه، ۳۰۲ نفر دانشجوی ارشد و ۴۴ نفر دانشجوی دکتری برآورد که در مجموع ۳۴۶ نفر می‌باشند که از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. جهت نمونه‌گیری، رشته‌های تحصیلی به چهار گروه: علوم انسانی، فنی مهندسی، کشاورزی و علوم پایه تقسیم شد و سپس از هر گروه، نمونه به صورت تصادفی طبقه‌ای نسبی، متناسب با حجم انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها، به دو طریق کتابخانه‌ای و پرسشنامه بود.

الف: پرسش‌نامه دانش‌آفرینی نوناکو (۱۹۹۵) ۳۲ سؤالی بر اساس طیف لیکرت، به صورت بسته پاسخ پنج گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) می‌باشد. مؤلفه‌های پشتیبانی‌کننده (دانش‌آفرینی) شامل: ظرفیت شبکه‌سازی، توانایی یادگیری، توانایی همکاری، توانایی کسب اطلاعات و دانش، توانایی نوآوری طراحی، توانایی ائتلاف، توانایی مراقبت، توانایی ترکیب، توانایی حل مسأله و توانایی یادگیری‌زدایی بودند.

ب: پرسش‌نامه سواد اطلاعاتی داورپناه و همکاران (۱۳۸۷) بر مبنای استانداردهای پنج‌گانه‌ی انجمن کتابخانه‌های دانشگاهی و پژوهشی، طراحی شده است که در قالب ۵۵ گویه به بررسی مؤلفه‌ها یا استانداردهای سواد اطلاعاتی می‌پردازد. پایایی این ابزار با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۳) برآورد گردید. مؤلفه‌های پشتیبانی‌کننده سواد اطلاعاتی، شامل: توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات، توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات، توانایی ارزیابی نقادانه‌ی اطلاعات، توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات و توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات بودند. روایی ابزارها از نوع صوری و محتوایی بود که مورد تأیید استادان و خبرگان قرار گرفت و پایایی ابزار با ضریب آلفای کرونباخ انجام گرفت که آلفای آنها به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۳ برآورد گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، با نرم افزار SPSS ۱۶ تحلیل گردید.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: «بین سواد اطلاعاتی با دانش آفرینی سازمانی، در دانشجویان ارتباط وجود دارد.»
جدول ۱. خروجی ضریب همبستگی پیرسون جهت آزمون فرضیه اصلی پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	معنی داری	نتیجه آزمون
سواد اطلاعاتی دانش آفرینی سازمانی	۳۴۶	۰/۷۴۶**	۰/۰۰۱	تأیید فرض H1

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد sig آزمون برابر مقدار (۰/۰۰۰) می‌باشد که کم‌تر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر (H0) آماری مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر رد می‌شود. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش پذیرفته می‌گردد. از طرفی با توجه به ضریب همبستگی که برابر (۰/۷۴۶) می‌باشد چون این مقدار بین (۰/۷۵-۰/۵) قرار دارد این دو متغیر، همبستگی مستقیم بسیار شدیدی با یکدیگر دارند.

فرضیه اول: «بین تشخیص وسعت ماهیت اطلاعات با دانش آفرینی سازمانی ارتباط وجود دارد.»

جدول ۲. خروجی ضریب همبستگی پیرسون

متغیرهای مورد بررسی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	معنی داری	نتیجه آزمون
تشخیص وسعت ماهیت اطلاعات دانش آفرینی سازمانی	۳۴۶	۰/۶۱۰**	۰/۰۰۰	تأیید فرض H1

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، sig آزمون برابر مقدار (۰/۰۰۰) می‌باشد که کم‌تر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر (H0) آماری مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر رد می‌شود. بنابراین فرضیه شماره اول پژوهش، تأیید می‌شود. از طرفی با توجه به ضریب همبستگی که برابر (۰/۶۱۰) می‌باشد چون این مقدار بین (۰/۷۵-۰/۵) قرار دارد این دو متغیر، همبستگی مستقیم بسیار شدیدی با یکدیگر دارند.

فرضیه دوم: «بین دسترسی مؤثر به اطلاعات با دانش آفرینی سازمانی در دانشجویان، ارتباط وجود دارد.»

جدول ۳. خروجی ضریب همبستگی پیرسون

متغیرهای مورد بررسی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	معنی داری	نتیجه آزمون
دسترسی موثر به اطلاعات دانش آفرینی سازمانی	۳۴۶	۰/۶۲۹**	۰/۰۰۱	تأیید فرض H1

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد sig آزمون برابر مقدار (۰/۰۰۱) می‌باشد که کم‌تر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر (H0) آماری مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر، رد می‌شود. بنابراین فرضیه شماره دوم پژوهش، تأیید می‌شود. از طرفی با توجه به ضریب همبستگی که برابر (۰/۶۲۹) می‌باشد چون این مقدار بین (۰/۷۵-۰/۵) قرار دارد این دو متغیر، همبستگی مستقیم بسیار شدیدی با یکدیگر دارند.

فرضیه سوم: «بین ارزیابی نقادانه اطلاعات با دانش آفرینی سازمانی در دانشجویان، ارتباط وجود دارد.»

جدول ۴. خروجی ضریب همبستگی پیرسون

متغیرهای مورد بررسی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	معنی داری	نتیجه آزمون
ارزیابی نقادانه اطلاعات دانش آفرینی سازمانی	۳۴۶	۰/۵۷۶**	۰/۰۰۱	تأیید فرض H1

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد sig آزمون برابر مقدار (۰/۰۰۱) می‌باشد که کم‌تر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر (H0) آماری مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر رد می‌شود. بنابراین فرضیه شماره سوم پژوهش نیز تأیید می‌شود. از طرفی با توجه به ضریب همبستگی که برابر (۰/۵۷۶) می‌باشد چون این مقدار بین (۰/۷۵-۰/۵) قرار دارد این دو متغیر، همبستگی مستقیم بسیار شدیدی با یکدیگر دارند.

فرضیه چهارم: «بین کاربرد هدفمند اطلاعات با دانش آفرینی سازمانی در دانشجویان، ارتباط وجود دارد.»

جدول ۵. خروجی ضریب همبستگی پیرسون

متغیرهای مورد بررسی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	معنی داری	نتیجه آزمون
کاربرد هدفمند اطلاعات دانش‌آفرینی سازمانی	۳۴۶	۰/۶۹۸**	۰/۰۰۱	تأیید فرض H1

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد sig آزمون برابر مقدار (۰/۰۰۱) می‌باشد که کم‌تر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر (H0) آماری مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر، رد می‌شود. بنابراین فرضیه شماره چهارم پژوهش تأیید می‌شود. از طرفی با توجه به ضریب همبستگی که برابر (۰/۶۹۸) می‌باشد چون این مقدار بین (۰/۷۵-۰/۵) قرار دارد. این دو متغیر، همبستگی مستقیم بسیار شدیدی با یکدیگر دارند.

فرضیه پنجم: «بین درک حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات با دانش‌آفرینی سازمانی در بین دانشجویان، ارتباط وجود دارد.»

جدول ۶. خروجی ضریب همبستگی پیرسون

متغیرهای مورد بررسی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	معنی داری	نتیجه آزمون
درک حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات دانش‌آفرینی سازمانی	۳۴۶	۰/۶۸۳**	۰/۰۰۱	تأیید فرض H1

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد sig آزمون برابر مقدار (۰/۰۰۱) می‌باشد که کم‌تر از مقدار (۰/۰۵) است. لذا فرض صفر (H0) آماری مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر رد می‌شود. بنابراین فرضیه شماره پنجم پژوهش نیز تأیید می‌شود. از طرفی با توجه به ضریب همبستگی که برابر (۰/۶۸۳) می‌باشد چون این مقدار بین (۰/۷۵-۰/۵) قرار دارد این دو متغیر، همبستگی مستقیم بسیار شدیدی با یکدیگر دارند. جهت روشن شدن این موضوع که پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای سواد اطلاعاتی بر دانش‌آفرینی سازمانی، در چه حد است از آزمون رگرسیون بهره گرفته شد.

جدول ۷. خروجی تحلیل رگرسیون بین متغیر سواد اطلاعاتی بردانش آفرینی سازمانی

Model	استاندارد	ضرایب نشده	ضرایب استاندارد شده	مقدار آماره تی	معنی داری
	B	انحراف استاندارد	بتای استاندارد	B	انحراف استاندارد
۱	مقادیر VIF, DW	۰/۰۰۱	۰.۱۴۳	-۰.۰۰۱	۰.۹۹۹
	توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات	۰.۱۶۰	۰.۰۴۱	۳,۸۷۹	۰/۰۰۱
	توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات	۰.۲۴۵	۰.۰۳۱	۷,۷۹۵	۰/۰۰۱
	توانایی ارزیابی نقدانده اطلاعات	۰.۱۷۱	۰.۰۳۱	۵,۴۹۶	۰/۰۰۱
	توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات	۰.۲۱۶	۰.۰۳۶	۶,۰۴۳	۰/۰۰۱
	توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات	۰.۱۴۶	۰.۰۳۴	۴,۳۴۶	۰/۰۰۱
	توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات	۰.۰۶۵	۰.۰۵۰	۱,۲۸۶	۰.۱۹۹

با توجه به جدول، ملاحظه می‌گردد میزان معناداری تمامی متغیرها به‌جز توانایی تعیین وسعت و ماهیت، اطلاعات کوچک‌تر از عدد استاندارد ۰/۰۵ به‌دست آمده که این نشان‌دهنده این است که تمامی مؤلفه‌ها به غیر از متغیر توانایی تعیین وسعت و ماهیت، اطلاعات بر متغیر دانش‌آفرینی سازمانی اثرگذار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که بین سواد اطلاعاتی با دانش آفرینی سازمانی رابطه وجود دارد. همچنین بین پنج بُعد سواد اطلاعاتی (توانایی تعیین وسعت و ماهیت اطلاعات، توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات، توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات، توانایی کاربرد هدفمند اطلاعات، توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات با دانش آفرینی دانشجویان، رابطه معنادار است. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش (Najaflu, 2017)، (Najafli & najafi, 2011)، (zahedbolbolan & najafi, 2011)، (Alinejad, 2011)، (Maughan, 2001)، (Bigdeli & momtazan, 2001)، (seyfour, 2011)، (Esnberg, Shirsavar & Shhavnd 2006)، (tafaroji & Amani, 2014)، (2012) هم‌راستا است. با عنایت به یافته‌های پژوهش و تأثیر سواد اطلاعاتی بر دانش آفرینی، نیاز جدی بر ترویج سواد اطلاعاتی می‌باشد و لازم است دانشجویان نسبت به تشکیل گروه و تقویت توانایی تلفیق اطلاعات موجود با افکار و تجربه‌های قبلی، تشویق شوند. در جامعه کنونی، بهترین و جامع‌ترین اطلاعات در هر زمینه‌ای، دستیابی مؤثر به اطلاعات مورد نیاز با صرف حداقل زمان و هزینه، یک مهارت ارزشمند و اساسی برای دانش آفرینی می‌باشد. اصولاً توانایی دسترسی مؤثر به اطلاعات، با مهارت‌هایی مانند استفاده از روش‌های مختلف و متنوع برای کسب اطلاعات و نیز تشخیص کاستی‌های احتمالی موجود در اطلاعات، همراه است. این مهارت‌ها به فرد دانش آفرین در جمع‌آوری و کاربرد مناسب اطلاعات، کمک می‌کند. با افزایش توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات، قابلیت‌های دانش آفرینی افراد نیز افزایش می‌یابد. اطلاعات هنگامی می‌تواند مفید باشد و افراد را در کسب علم و دانش موفق گرداند که صحیح و معتبر باشد. به طور کلی، توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات با مهارت‌هایی مانند: توانایی بررسی و مقایسه اطلاعات اخذ شده از منابع مختلف، برای تعیین اعتبار، صحت و سقم اطلاعات، تشخیص وجود تقلب و دستکاری در اطلاعات، توانایی تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مختلف و متناقض است. مجموعه‌ی این مهارت‌ها به فرد دانش آفرین، این امکان را می‌دهد که از صحت و قابلیت کاربرد صحیح اطلاعات، اطمینان حاصل کند. کاربرد هدفمند اطلاعات به معنای به کارگیری اطلاعات برای رسیدن به یک هدف از قبل تعیین شده و مشخص است. در کاربرد هدفمند اطلاعات با مهارت‌هایی مانند توانایی استفاده از مآخذ و مراجع

مختلف در جستجوی اطلاعات خاص و نیز به کار بردن دانش و تجربیات قبلی برای خلق یک محصول جدید، ارزیابی می‌شود. توانایی استفاده از مراجع و مآخذ مختلف، این امکان را به فرد دانش آفرین می‌دهد که دیدگاه جامعی نسبت به موضوعی که تمایل به کسب اطلاعات راجع به آن را دارد پیدا کند و دیدگاه‌های صاحب نظران مختلف را مقایسه و بررسی کند. در نتیجه، می‌تواند اطلاعات کسب شده را به شکل هدفمند به کار گیرد زیرا به درک روشنی از مسأله رسیده است. از دیگر مهارت‌های مربوط به کاربرد هدفمند اطلاعات، استفاده از تجربیات قبلی برای خلق یک محصول جدید است؛ بدین معنا که فرد با استفاده از دانشی که درباره مطلب یا موضوعی به دست می‌آورد بتواند یک محصول جدید خلق کند. این محصول جدید می‌تواند در قالب یک محصول اقتصادی و یا یک راه‌حل ابتکاری و جدید، برای حل یک مشکل باشد. در تبیین نتایج فرضیه پنجم می‌توان گفت: درک موارد حقوقی و اقتصادی مربوط به کاربرد اطلاعات، از ملزومات اساسی استفاده از اطلاعات است. بدون درک این موارد، استفاده از اطلاعات، جنبه غیراخلاقی و غیرعلمی می‌یابد (Salary & HassanAbadi, 2004) دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان عضوی از دانشگاه و نیز کارمندان سازمان‌های مختلف کشور، نیازمند سواد اطلاعاتی هستند. این امر، تعهد دانشی آنان را افزایش می‌دهد. مطابق یافته‌ها بین سواد اطلاعاتی و تعهد سازمانی کارکنان، رابطه معناداری وجود دارد. بین سواد اطلاعاتی و ابعاد تعهد سازمانی شامل تعهد (هنجاری، مستمر و عاطفی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (Barimani (2018), مأموریت اصلی مؤسسات آموزش عالی، تربیت یادگیرندگان مادام‌العمر است. با این فرض که افراد دارای قابلیت‌ها و توانایی‌های ذهنی، استدلال و تفکر انتقادی هستند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، باید در طول دوره‌ها و دروس دانشگاهی به دانشجویان، به عنوان عضوی از جامعه و نیز شهروندان مطلع بیاموزند که چگونه یاد بگیرند. سواد اطلاعاتی کلید اصلی یادگیری مادام‌العمر می‌باشد (Ali Nasab, 2015). علی‌رغم اهمیت فزاینده دانش به عنوان راهبردی‌ترین منبع سازمانی، شکاف عمیقی در درک از زمینه‌ها و مؤلفه‌های دانش آفرینی و تأثیر آن بر عملکرد سازمان‌ها، وجود دارد. به ویژه ضعف خیره‌کننده‌ای در توانایی، برای کاربرد تکنیک‌های مدل‌سازی کمی در این قلمرو نوظهور، آشکار است. یافته‌های پژوهش نشان داد زمینه‌های دانش آفرینی در نظام آموزش عالی عبارتند از: ظرفیت جذب، اکتساب اطلاعات و دانش،

یادگیری، یادگیری‌زدایی، بنیان دانش، مراقبت، همکاری، شبکه‌سازی، ائتلاف، ترکیب، نوآوری طراحی و حل مسأله (Adlie, 2008) با سواد اطلاعاتی، ماهیت و گستره اطلاعات مورد نیاز را تشخیص می‌دهد. به شکل مؤثر و کارآمد به اطلاعات مورد نیاز، دست پیدا می‌کند. اطلاعات و مآخذ آن را به صورت منتقدانه، ارزیابی و اطلاعات انتخاب شده را بر مبنای دانش و نظام ارزشی خود تلفیق می‌کند. به صورت انفرادی یا به عنوان عضوی از یک گروه، اطلاعات را برای انجام یک مقصود خاص، به صورت مؤثر مورد استفاده قرار می‌دهد. بسیاری از موضوعات اقتصادی، حقوقی و اجتماعی، مربوط به استفاده از اطلاعات را درک و با رعایت اصول اخلاقی و قانونی، به اطلاعات دسترسی می‌یابد و از آنها استفاده می‌کند (Keshavarz, 2015). بنابراین وسعت ماهیت اطلاعات، دسترسی مؤثر به اطلاعات، ارزیابی نقادانه اطلاعات، کاربرد هدفمند اطلاعات و درک حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات جهت دانش‌آفرینی، ضرورت دارد. بر این اساس، داشتن سواد اطلاعاتی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد و دکتری که رسالت دانش‌آفرینی و نظریه‌پردازی دارند بسیار ضروری می‌نماید. اطلاع از قوانین و اصول حقوقی و اخلاقی مربوط به استفاده از اطلاعات، باعث می‌شود استفاده از اطلاعات در چارچوب‌های قانونی و اخلاقی خود، صورت گیرد. رعایت این قوانین، سبب می‌شود قضاوت درباره صحت و سقم اطلاعات نیز آسان‌تر شود. آگاهی از این قوانین و حقوق، باعث استفاده بهتر و صحیح‌تر از اطلاعات و در نتیجه افزایش قابلیت‌های دانش‌آفرینی می‌گردد. امروزه بقاء و حیات سازمان‌ها در جامعه دانش‌مدار کنونی، مستلزم دانش‌آفرینی در تمام فرآیندهای سازمانی است. دانشگاه‌ها هم به عنوان سازمان‌های آموزشی باید نقش پیشگامانه‌ای را در این زمینه ایفاء کنند. لذا به رویکردهای جدیدی نیاز داریم که در آن‌ها هدف این باشد که به دانشجویان، توانایی‌ها و راهبردهای ضروری برای مدیریت اطلاعات عمیق و پرحجم آموزش داده شود و آموزش عالی باید در فرآیند دانش‌آفرینی، زیربنای سازمانی مناسبی برای مدیریت دانش و یادگیری ایجاد نمایند.

References

- Adlie, F. (2008). Investigation of Knowledge Creation Process in Higher Education System to Present Appropriate Model. *Daneshvar Behavior Journal*, 15(30): 71-84.[In Persian]
- Afrazeh. A.(2005).Knowledge Management implicit explicit and Information Technology. Tehran's Amirkabir University of Technology, *Industrial Engineering Department*. [In Persian]
- Ali Nasab, Zohreh-Fazlollahi, Seifollah Ghomashi, Hossein-Karimian (2015) Knowledge creation in universities: A survey of strengths and weaknesses. *Journal of Social Cultural Knowledge*, Sixth Year, Issue 4, 24: 87-108. [In Persian]. [In Persian]
- Alinejad mohammad abadi, M., sarmadi, M.R. Zandi, S. Shobeiri, M. (2011). level of Information Literacy and its role in the process of e-learning education students. *Journal of Research Information and public libraries*, 17 (2) 65:371-337 [In Persian]
- Amani, A. tafaraji, R. (2014). assess the level of information literacy and skills to use Web-based resource among students of medical sciences". *Journal of Medical Education*. 7(14): 1-10. [In Persian]
- Andersen, J. (2006).the public sphere and discurrive activities: in formation literacy as so clipolitical skills." *journal or documentation2* (2): 2-13.
- Assare,F.(2004). Information Literacy or skills necessary for students to access and use of information training seminars and the development of information literacy in libraries, information centers andMuseums, Mashhad 1 & 2(proceedings) In partnership with: Rahmatullah Fattahi, Mohammad Hossein Diani & others, *Mashhad: Organizational Learning libraries, Mvz-h-Ha and documents center of Astan Ghods Razavi*, 215-222. [In Persian]
- Bardstany, M. (2004). the study Information Literacy Students shahid Chamran of Ahwaz University. *Conference participants training and development of information literacy in libraries, information centers and museums, Mashhad, Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan QudsRazavi* . [In Persian]
- Barimani, A. 2018). The Relationship between Information Literacy and Organizational Commitment of the Martyrs Foundation Staff and the Sacrifice Affairs. *Journal of Information and Communication Technology in Educational Science*, 8, 4 (Continued 32): 25-39.[In Persian]
- Bigdeli, Z., momtazan, M. (2011).Compare the Information Literacy of international students of nursing Medical University of Ahwaz, Abadan branch. *Information Management, Health*. 8 (4):537-524. [In Persian]

- Daud, S., Eladwiah, D. Rahim, A.& R. (2008). Knowledge Creation and Innovation in Classroom ‘*International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering*, 2(4):75-79.
- Esnberg, C. Lindkvist, L. & Tell, F.(2006) Exploring the Dynamics of Knowledge Integration: Acting and Interacting in Project Teams” *Journal.Management Learning*, 37 (2):143 – 165.
- Keshavarz, M., Farajollahi M., Sarmadi MR., Zandi B.(2015). Students’ Information Literacy Level in a Distance Educational System A case study. *Educ Strategy Med Sci*. 2015; 8 (4): 231-237.[Persian]
URL: <http://edcbmj.ir/article-1-854-fa.html>
- Maughan, P. D. (2001). *Assessing information literacy among undergraduates: a discussion literature and university of California- Berkeley assessment experience*”. *College and Research Libraries* , 62 (1): 71-85.
- Migueluez, E. Moreno, R. Artas, M. (2008). Does social capital reinforce technological inputs inthe creationof knowledge?EvidencefromtheSpanish regions”, *ResearchInstitute of Applied Economics*, 13-41.
- Najaflu, Parisa; Yaghoubi, Jafar; Salahi Moghaddam, Nafisse (2017) Information Literacy Study of Agricultural Graduate Students (Case Study: Zanjan University). *Journal of Higher Education*, Volume 10, Number 38: 155-175.[In Persian].
- Norouzi, A.(2004). *Information literacy information society policies*. In Proceedings of users and the development of information literacy education in libraries and information centers and museums 1 and 2 June. [In Persian]
- Parirokh, M. (2007). *Teaching Information Literacy: Concepts, Methods and Applications*, 2nd ed. Tehran.[In Persian] :ketabdar.[In Persian]
- Peimankhah, M.(2007). survey of Information Literacy of students in Semnan University, Master's thesis, *Faculty of Education and psychology.semnan*. [In Persian]
- Salary, M. HassanAbadi, A.(2004). Identify and analyze important prerequisite for achieving information literacy skills training Proceedings of users and the development of information literacy in libraries and information centers and museums”. *Mashhad: Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Razavi*. 114-97. [In Persian]
- seyfour, V. Ghafari, S. (2011). Evaluate the literacy level of final year undergraduate students of Razi University of Kermanshah.” *EJournal Shamse*, 3. 1:8-15. [In Persian]
- Shirsavar S. Shhavnd, F. Rahimi, Ghitany, A. (2012).The effect intellectual capital on organizational learning capability and knowledge creation in Organizational

Learning Khuzestan Water and Power. *Journal of Public Administration mission*. 13(1): 29-42. [In Persian]

Von Krogh, G. Ichijo, K. Ikujiro, N.(2000).*Enabling Knowledge Creation: How to Unlock the Mystery of Tacit Knowledge and Release the Power of Innovation*. New York:Oxford University Press.63-82.

Zamani. E.(2003). *Information Literacy standards*. 19 (1 and 2) :34-41.

